

وحدت امت

مؤلفه متکثر تمدن‌ساز

به‌عنوان کسی که سال‌ها در نهادهای فرهنگی مرتبط با دغدغهٔ تقریب مذاهب اسلامی و چند سالی در دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، در مقام اجراود در جایگاه آموزشی و پژوهشی حضور داشته‌ام، باید در همین گام نخست به اصلاح‌خطای شناختی رایج بپردازم، یعنی:تقلیل مساله وحدت در اندیشه رهبر شهید انقلاب به یک تاکتیک ژئوپلیتیک یا یک ائتلاف مصلحتی منطقه‌ای که البته ناشی از نگاه سکولار به سیاست است و دین و فرهنگ را صرفاً ابزار قدرت می‌انگارد؛ در منظومه فکری ایشان، وحدت اسلامی نه یک حربه سیاسی، بلکه یک ضرورت هستی‌شناختی و فقهی و تمدنی است. سیاست منطقه‌ای ایشان، معلول این نگاه عمیق فرهنگی – تمدنی است و نه علت آن. به‌عبارتی رهبری فرهنگی، ستون فقرات وموتور محرک کلان راهبردی است باعنوان وحدت‌امت اسلامی.

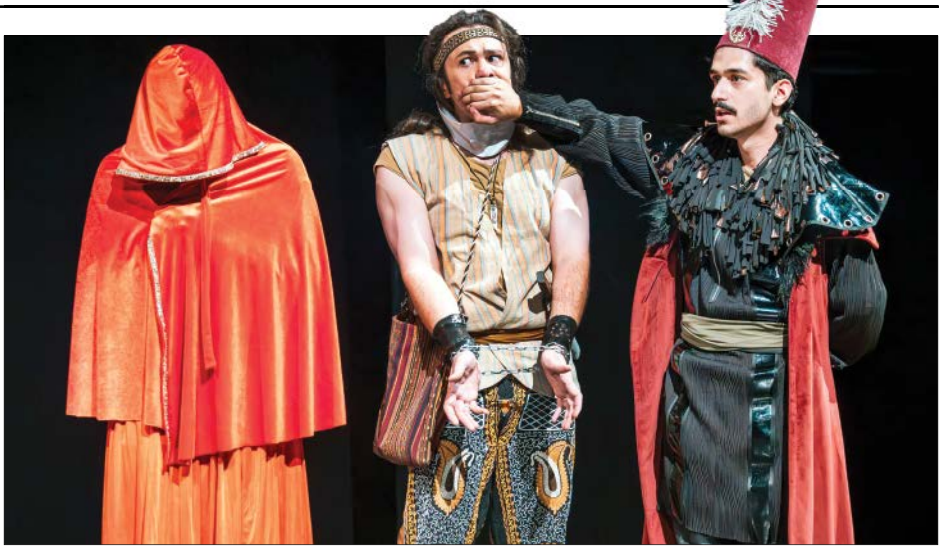
در فقه سنتی سیاسی، گاهی وحدت به‌عنوان یک حکم ثانوی یا مصلحت زمانه تلقی می‌شد؛ یعنی اگر مصلحت اقتضا داشت باید از اختلافات بگذریم. اما وحدت در اجتهاد پویای رهبر شهید، یک حکم اولی و تکلیفی است. ایشان با استناد به آیاتی چون *وَاقْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا*، *حَبْلِ اللَّهِ* که از یک پیمان‌نامه سیاسی، بلکه یک پیوند وحیانی و فرهنگی می‌دانند. از منظر فقهی ایشان، تفرقه نه فقط یک گناه اخلاقی، بلکه خیانت به امانت نبوی و مانع تحقق مدینه فاضله اسلامی است. بنابراین فتاوی مشهور ایشان در حرمت توهین به مقدسات اهل سنت، ریشه در یک فقه‌الوحده عمیق دارد که مرزهای مذهبی راذیل هویت برادرانه ایمانی بازتعریف می‌کند.

اکنون جا دارد به عنینت رهبری فرهنگی به‌عنوان ستون فقرات تصمیمات سیاسی بپردازیم. امروز از محور مقاومت در ادبیات سیاسی سخن می‌گوییم اما این محور، پیش از آن‌که یک ائتلاف نظامی یا سیاسی باشد، یک پدیده نظام‌مند فرهنگی و عاطفی است.

چگونه یک جوان شیعه ایرانی، یک نوجوان اهل سنت فلسطینی و یک جوان زیدی یعنی امروز در یک جبهه واحد می‌ایستند؟ این همبستگی، البته محصول موشک و موشکباران نیست و حاصل دهه‌ها رهبری فرهنگی است. رهبر شهید انقلاب سال‌ها بر مشترکات عاطفی، فرهنگی و نمادین تمرکز کردند مانند محبت اهل‌بیت که در دل (اهل سنت) نیز امت اسلام هست، یا حماسه عاشورا که فراتر از مذهب به گفتمان مقاومت تبدیل شده. تصمیمات سیاسی سخت ایشان در حمایت از ملت‌های منطقه، دقیقاً بر سرتارین نرم‌افزار فرهنگی مشترک استوار شده. اگر ایشان سال‌ها در سطح نخبگانی و توده‌ای، پیوست فرهنگی وحدت را تزریق نمی‌کردند، امروز آیا محور مقاومت فقط در برابر فشارهای سیاسی داخلی کشورها، دوام می‌آورد؟ قطعاً خیر.

ایشان با یک مهندسی فرهنگی بی‌نظیر، دست‌روی حافظه تاریخی مشترک گذاشتند. از شکوه تمدن اسلامی مشترک در اندلس و بغداد می‌گفتند یا از شعر و ادبیات مشترک یا از دردهای مشترک امروز جهان اسلام مثل غزه و میانمار. این رویکرده نشان می‌دهد که ایشان می‌خواستند اتفاق فکر وحدت را از یک دادگاه کلامی دیرینه فراتر ببرند و تعالی ببخشند و به یک کارگاه تمدن‌سازی تبدیل کنند. این دقیقاً اوج رهبری فرهنگی است: تغییر زمین بازی از تفاوت‌های سلیبه به آرمان‌های ایجابی. برداشت‌های رایج از وحدت اسلامی معمولاً به دو سو می‌روند؛ یا وحدت سیاسی صرف مثل تشکیل یک ناتوی اسلامی که صرفاً علیه یک دشمن خارجی باشد و وحدت ادغامی که در آن هر گروهی از عقاید خود بگذرد تا به یک خوانش جدید دینی یا دین جدید یا یک مذهب واحد برسیم. اما قرائت رهبر انقلاب، وحدت در عین کثرت بود. ایشان به دنبال تصدیابی مذهبی نبودند، بلکه هم‌افزایی تمدنی را دنبال می‌کردند. در مدل ایشان، تفاوت‌های فقهی و کلامی به‌عنوان یک تنوع طبیعی حتی مایه غناي تمدن اسلامی دانسته شده و به رسمیت شناخته می‌شود اما این تفاوت‌ها نباید به گسست سیاسی

و دشمنی فرهنگی منجر شود. فرمول عملیاتی ایشان این است: مدیریت تفاوت‌ها در فضای خصوصی علمی همچنین تمرکز مطلق بر مشترکات در فضای عمومی تمدنی. بنابراین تأکید رهبر شهید بر وحدت اسلامی، ریشه در یک پارادایم (مؤلفه) تمدن‌ساز دارد که ستون فقرات آن، رهبری فرهنگی است. ایشان معتقد بودند تمدن نوین اسلامی محال است بدون سوزه واحد اسلامی و بدون زیست‌جهان فرهنگی مشترک شکل بگیرد. برای نسل جوان و نخبگانی که در دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی فعالند، به‌خصوص کنشگرانی که در حوزه‌های مرتبط با تقرب فعالیت می‌کنند، پیام این تحلیل بسیار روشن است؛ مثلاً وحدت اسلامی، شعار نیست برای مناسبتی مثل هفته وحدت، بلکه زیرساخت نرم‌افزاری قدرتی ملل و منطقه‌ای ماست. هر کنشگر فرهنگی که بتواند یک پل عاطفی، یا اثر هنری مشترک یا یک گفتمان علمی مشترک میان مذاهب ایجاد کند، در واقع در حال انجام یک کنش استراتژیک سیاسی ـ امنیتی است. سیاست منطقه‌ای ما، دقیقاً به اندازه عقق فرهنگی، وحدتی اقتدار خواهد داشت که در جامعه اسلامی ایجاد کرده‌ایم.



وقتی فردی را می‌بینند که از نظر مالی یا اجتماعی در جایگاه بالاتری قرار دارد، با خودشان می‌گویند من چنین امکاناتی ندارم و هیچ‌وقت به آن جایگاه نمی‌رسم. کمتر به این فکر می‌کنند که آن فرد چقدر برای رسیدن به آن جایگاه تلاش کرده. در پهلوان قلیچ نشان دادیم قهرمان برای رسیدن به آرزویش، به اندازه همان آرزو تلاش می‌کند. بنابراین نخستین و مهم‌ترین پیام نمایش ما جنگیدن در راه رسیدن به آرزوها و تبدیل شدن به یک اسطوره است. در مجموع، هدف اصلی ما از اجرای این نمایش دغدغه‌ای است که برای گروه و به‌خصوص من اهمیت زیادی دارد؛ این‌که به زمانی برگردیم که تئاتر کمدی هنوز به ابتذال کشیده نشده بود. ما لیاقت این را داریم که برای خنداندن تماشاگر به جای استفاده از الفاظ و رفتارهای نامناسب، از کمدی موقعیت بهره ببریم. برای مثال در مجموعه‌هایی مانند «پایتخت» می‌بینیم چگونه با استفاده از کمدی موقعیت، تماشاگر را نگه می‌دارند. ما نیز تلاش کردیم از این شیوه الگوبرداری کنیم. هدف و رسالت من به‌عنوان یک هنرمند این است که با ابتذال در کمدی مقابله کنم. چون اگر من این کار را انجام ندهم، چه کسی قرار است یک روز این مسیر را آغاز کند؟ اگر همه کمدی‌ها فقط برای رقابت و درآمدزایی، هر روز به سمت استفاده از الفاظ زشت‌تر و رفتارهای نامناسب‌تر بروند، در نهایت به جایی می‌رسیم که تماشای یک اثر کمدی برای مخاطب دشوار می‌شود.

[۶] با وجود محدودیت‌های مالی چطور تلاش کردید کیفیت اجرایی نمایش حفظ شود؟

گروه ما امکانات مالی زیادی ندارد. کل بودجه‌ای که برای این نمایش در اختیار داریم، حدود ۳۰۰ میلیون تومان است در حالی که هزینه‌های مختلفی داریم و حتی رفت‌وآمد اعضای گروه نیز با خودمان است. چندین ماه برای اجرای این اثر تمرین کرده‌ایم و فقط با گروه‌هایی رقابت نمی‌کنیم که سرمایه زیادی در اختیار دارند بلکه با گروه‌هایی مواجه هستیم که برای تولید آثار کمدی مبتذل، سرمایه‌گذاری کرده‌اند و حتی از سلبریتی‌های بزرگ استفاده می‌کنند. آوردن چنین افرادی برای تماشای نمایش ما از نظر مالی هم برای ما به صرفه نیست. چه رسد به این‌که بخواهند در نمایش ما بازی کنند. گروه‌هایی مانند ما بسیار زیاد هستند و در عین حال هزینه زیادی در اختیار نداریم اما تلاش کردیم در کنار هزینه مالی، از توان بدنی، انرژی مثبت و خلاقیت اعضای گروه استفاده کنیم. ما نویسنده، کارگردان و بازیگران اثر هستیم و تلاش کردیم نبود امکانات را با خلاقیت جبران کنیم. نیازی به دکورهای میلیاردي نیست. امروز در سالن‌های مختلف، حتی برای اجراهای بزرگ، هزینه‌های بسیار سنگینی صرف دکور می‌شود. من منکر ارزش این هزینه‌ها برای هنر نیستم اما وقتی هزینه تولید یک اثر بسیار بالا می‌رود، مجبور می‌شویم بلیت بسیار گران‌قیمتی برای آن تعیین کنیم.

همان آدم‌های معمولی در زندگی‌های روزمره هستند؛ آدم‌های بی‌ادعایی که مرام پهلوانی دارند و برای ایران‌شان هراکلی می‌کنند. آدم‌های ساده‌ای که هر کدام قهرمان زندگی خودشان هستند. پهلوان این شب‌های تالار حافظ، عاشق دختری است به نام «ایران» که دنیا را به خاطر او طی می‌کند تا به مقصودش برسد. هرچند معتقدم که ایران داستان را، هرچقدر هم کوتاه، نباید می‌دیدیم؛ و اگر ذوق حضور بازیگر روی صحنه و لطف عوامل نمایش نبود، شاید بهتر بود این حضور اتفاق نمی‌افتاد اما به‌هر نحو، ایران پهلوان قلیچ، ایران همه ماست که برایش سرازای نمی‌شناسیم.

می‌گوید چقدر پیرو یا چقدر بی‌ادب بود. همین دو جمله برای من کافی است. خدا را شکر تلاش کردیم قصه‌ای بنویسیم و اجرا کنیم که یک دختر بچه ۱۰ ساله تا یک پیرمرد ۸۰ ساله به راحتی بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند یا شخصیت‌ها همذات‌پنداری داشته باشند بدون این‌که خانواده نگران به‌آموزی برای فرزندشان باشند یا پدر و مادر مسن احساس کنند چیزی که روی صحنه می‌بینند، در شأن آنها نیست. اصل قضیه برای ما اجرای یک کمدی خانوادگی بود. شاید میزان خنده نمایش ما نسبت به برخی کمدی‌های دیگر کمتر باشد. اگر آنها ۱۰ بار مخاطب را بخندانند، شاید ماهشت بار این کار را انجام دهیم اما حاضر نشدیم آن دو خنده بیشتر را به قیمت شکستن حرمت‌ها به دست بیاوریم.

[۶] کمدی چه نقشی در انتقال پیام‌ها و پرداختن به معضلات اجتماعی دارد؟

یکی از رسالت‌های کمدی، صحبت کردن درباره مشکلات جامعه و پرداختن به بی‌اخلاقی‌های موجود در آن است. تمام معضلات در قالب کمدی خیلی راحت‌تر به مخاطب ارائه می‌شود و در ذهن او می‌ماند. ما سعی کردیم بعضی مسائل را با کمدی آموزش بدهیم و در تمام کارهای دیگرمان نیز همین رویکرد را داشته‌ایم. تلاش کرده‌ایم هر کمدی‌ای که روی صحنه می‌بریم، پشت خود حرفی برای گفتن داشته باشد و بی‌دلیل برای خنداندن مخاطب نباشد. حتی در صحنه پایانی نمایش، زمانی‌که داستان به سمت عثمانی و فضای ترکیه می‌رود تلاش کردیم به شبکه‌های آن‌سوی آب مانند «شبکه جم» طعنه بزنیم و در قالب کمدی به مخاطب بگوییم بسیاری از چیزهایی که در این آثار می‌بینید دروغ است اما با رنگ و لعابی جذاب ارائه می‌شود. به‌ویژه بانوان کشورمان که اغلب مخاطب این آثار هستند و به نظر ما آنها به شکلی بسیار نرم، نوعی ابتذال را وارد جامعه می‌کنند؛ ابتدایی که در قالب خیانت و دروغ و بازرق و بیرق فراوان عرضه می‌شود. سعی کردیم در یک فضای کاملاً کمدی به این موضوع بپردازیم و نشان دهیم این تصاویر، با وجود تمام زرق و برق‌هایی که دارند سرشار از دروغ هستند.

[۶] هدف اصلی نمایش پهلوان قلیچ چیست و می‌خواهد چه پیامی را به مخاطب منتقل کند؟

اولین و مهم‌ترین پیام نمایش، ترسیدن از تلاش برای رسیدن به آرزوها و جنگیدن برای آنهاست. بسیاری از انسان‌ها

خنده با چاشنی پهلوانی

کارگردان نمایش «پهلوان قلیچ»: مهم‌ترین پیام این نمایش ترسیدن از تلاش برای رسیدن به آرزوها و جنگیدن برای آنهاست

[۶] سفر درونی پهلوان قلیچ چطور در ساختار نمایش شکل گرفته است؟

یکی از وجوه اصلی این قصه، داستان‌های کوچک و متعددی است که در هر صحنه و هر بخش از نمایش می‌بینیم. هرکدام از این قصه‌ها، در عین این‌که به‌صورت مستقل روایت می‌شوند، به پیشبرد داستان اصلی و بلوغ شخصیتی قهرمان کمک می‌کنند. قهرمان مادر ابتدای قصه با شخصیت یک عیار معرفی می‌شود اما در نهایت به منش پهلوانی و بزرگی می‌رسد. از خودگذشتگی، اصل رسیدن به پهلوانی است و پهلوان ماتازه در این سفر به این ویژگی دست پیدا می‌کند.

[۶] ساختار بازیگری نمایش چگونه طراحی شده است؟

در این اثر ۱۴ بازیگر حضور دارند و هر بازیگر دست کم یک نقش را ایفا می‌کند. البته برخی بازیگران تا سه نقش نیز به عهده دارند. بیشتر بازیگران نیز در بخش زیادی از نمایش روی صحنه حضور دارند.

[۶] طراحی حرکات نمایش چگونه انجام شد تا در عین سادگی، برای مخاطب جذاب باشد؟

حرکات نمایش را خانم میرآقای و آقای کاظمی که هر دو از بازیگران نمایش هستند طراحی کردند. تمام اعضای گروه در اجرای کارهای مختلف مشارکت دارند. چیزی که خواستیم این بود که حرکات در کنار سادگی، زیبا باشند. اگر دقت کرده باشید گروه خیلی روی حرکات پیچیده و سنگین تأکید نمی‌کند و بیشتر تلاش می‌کند فرهنگ‌های مختلف را با لطافت و به شکلی ساده نشان دهد. برای مثال وقتی وارد فضای فرهنگ عربی می‌شویم، ویژگی‌هایی مانند فرهنگ رزمی، جنگاوری و شکار را داریم و تلاش کردیم فرهنگ زیبایی آنها را که مبتنی بر آواز، آهنگ و نواست به شکلی ساده نمایش دهیم. نمی‌خواستیم حرکات آنقدر سنگین و پیچیده باشند که مخاطب احساس کند با یک کار دشوار و دور از دسترس مواجه است. هدف ما این بود که مخاطب به‌سادگی با نمایش ارتباط برقرار کند.

[۶] با توجه به گسترش کمدی‌های صحنه‌ای، چگونه تلاش کردید نمایش به سمت ابتذال نرود؟

کار کمدی مثل حرکت با یک شمشیر دولبه است و ما به‌شدت روی این مرز حرکت می‌کنیم. چون با کوچک‌ترین رفتار نامناسب، به‌واسطه خوراک‌های نامناسبی که پیش از این به مخاطب داده شده ممکن است تماشاگر تصور کند ما هم همان مسیر را ادامه می‌دهیم. نمایش‌هایی وجود دارند که از الفاظ نامناسب یا رفتارهایی استفاده می‌کنند که حتی آدم‌ها در حالت عادی و در جمع خانواده خودشان از آنها احساس شرم می‌کنند. ممکن است مخاطب در همان لحظه به چنین رفتاری بخندد اما من همیشه به این موضوع فکر می‌کنم که «ادب از که اموختی، از بی‌ادبان». گاهی چیزی که از مخاطب می‌گیریم، این است که

نمایش «پهلوان قلیچ» به کارگردانی

مشترک رضا محمدیان جوادى و حسین قاسمی که این روزها در تالار حافظ اجرا می‌شود تلاشی برای پیوند دادن افسانه،

کمدی و دغدغه‌های اجتماعی است؛ اثری که در کنار روایت سفر بیرونی قهرمان، به

سفر درونی او و رسیدن به منش پهلوانی می‌پردازد. رضا محمدیان جوادى نویسنده و کارگردان این نمایش

معتقد است کمدی می‌تواند بدون استفاده از شوخی‌های مبتذل، مخاطب را بخنداند و در عین حال حرفی برای گفتن داشته باشد. او با گروهش تلاش کرده با استفاده از کمدی موقعیت پیام‌هایی

مانند تلاش برای رسیدن به آرزوها، عبور از غرور و انتخاب درست را به مخاطب منتقل کند. پهلوان قلیچ انتقادهایی طنزآمیز به بعضی

سریال‌های ترکیه‌ای و شبکه‌های ماهواره‌ای دارد که تصویری از زندگی، عشق و روابط انسانی ارائه می‌کنند که با واقعیت منطبق

نیست. محمدیان جوادى در این گفت‌وگو از مشکلات گروه‌های

تئاتری شهرستانی، کمبود سالن حرفه‌ای و محدودیت‌های مالی

برای اجرای تئاتر نیز صحبت کرده و گفته نبود امکانات نباید مانع خلاقیت هنرمندان شود. گروه سازنده این نمایش با امکاناتی

محدود تلاش کرده‌اند نمایشی خانوادگی و قابل تماشا برای

طیف‌های مختلف مخاطبان تولید کنند؛ نمایشی که خنده را

وسيله‌ای برای انتقال پیام می‌داند، نه هدفی برای رسیدن به هر

قیمت. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.



[۶] نمایش پهلوان قلیچ پس از چهار سال اجرای جشنواره‌ای، سرانجام روی صحنه رفته. علت این وقفه چهارساله چیست؟

تمام اعضای گروه از ورامین هستند و با وجود آن‌که این نمایش چهار سال پیش در جشنواره تئاتر فجر اجرا شد، تاکنون امکان اجرای عمومی آن در ورامین فراهم نشده بود. یکی از مشکلات اصلی گروه‌های تئاتری ورامین، نبود سالن حرفه‌ای مناسب است. برای اجرای نمایشی مانند پهلوان قلیچ در ورامین سالن حرفه‌ای نداریم و به همین دلیل اجرای عمومی این اثر در شهرستان خودمان امکان‌پذیر نشد. قرار بود اجرای نمایش را از سال گذشته آغاز کنیم اما مشکلات مختلف باعث شد این برنامه بارها به تعویق بیفتد. پس از آن نیز جنگ، حوادث و مشکلات بعدی، اجرای نمایش را بیشتر عقب انداخت و پس از این وقفه‌ها، به پهلوان قلیچ به صحنه رسید.

[۶] چه شد که سراغ مضمون سفر درونی و بیرونی در پهلوان قلیچ رفتید؟

در حقیقت من سراغ پهلوان قلیچ نفرتم بلکه او سراغم آمد. شکل‌گیری این اثر به واسطه یک خواب اتفاق افتاد. شاید خیلی‌ها این موضوع را باور نکنند اما در حالت عادی چنین چیزی برای من پیش نیامده بود. از فردای آن روز که از خواب بیدار شدم، این ایده در ذهنم شکل گرفت و کلید کار زده شد. با خودم فکر کردم همان‌طور که در اسطوره‌های ما، از «رستم» گرفته تا «خسرو» و در داستان‌های شاهنامه، قهرمانان سفرهایی را پشت سر می‌گذارند، من هم می‌توانم قصه و افسانه‌ای برای خودم خلق کنم که ویژگی‌های این آثار را در خود داشته باشد. در کنار آن، فانتزی و جذابیت اثر برای مخاطب نیز برایم اهمیت داشت. می‌خواستم این قصه برای مخاطب امروز جالب بود و جذابیتش به‌واسطه امروزی بودن آن باشد، نه فقط شخصیت‌هایش. هدفم این بود که جامعه امروز و مردم بتوانند با شخصیت‌های نمایش همذات‌پنداری کنند. در این افسانه اتفاق خیلی بزرگی رخ نمی‌دهد و غول‌کشی‌های متعددی نیز وجود ندارد.

پهلوان گمنامی که به حافظ رسید!

تئاترهای این شب‌ها پر است از پهلوان؛ از پسران فریدون گرفته تا آرش. همراه با بازیگران شاخصی که حضورشان روی صحنه، مخاطب را همراه می‌کند تا بار دیگر از ایران بگویند اما در میان این همه نام‌های آشنا، نمایش دیگری در تالار حافظ روی صحنه می‌رود که در سال ۱۴۰۰



سید محمدجانی
طراح‌های
فقال رسانه

تئاترهای این شب‌ها پر است از پهلوان؛ از پسران فریدون گرفته تا آرش. همراه با بازیگران شاخصی که حضورشان روی صحنه، مخاطب را همراه می‌کند تا بار دیگر از ایران بگویند اما در میان این همه نام‌های آشنا، نمایش دیگری در تالار حافظ روی صحنه می‌رود که در سال ۱۴۰۰

نشتت خبری این رویداد نیز برای پاسخ به سؤالات اهالی رسانه درخصوص کم‌وکیف چگونگی برگزاری این رویداد در بنیاد سینمایی فارابی برگزار شد. این جشنواره قرار است از ۱۱ تا ۱۶ مهرماه ۱۴۰۵ در شهر اصفهان برگزار شود. حامد جعفری، دبیر سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان، در نشست خبری این رویداد با اشاره به افزایش نزدیک به دو برابری آثار ارسالی نسبت به ادوار گذشته، از حذف تمام بخش‌های ویژه جشنواره به جز «بخش میناب» به احترام کودکان شهید مدرسه شجره طیبه میناب خبر داد. او این میزان استقبال را بی‌سابقه دانست و افزود: با وجود پیش‌بینی‌ها مبنی بر کاهش تولیدات به دلیل شرایط جنگ تعمیلی سال گذشته و جنگ رمضان که فرآیند تولید بسیاری از فیلم‌های کودک را تحت تأثیر قرار داد، میزان تولیدات افزایش

نشتت خبری

تمرین فیلمسازی؛ کلید رشد کیفی جشنواره کودک ونوجوان



قابل توجهی داشته است. تنها در بخش فیلم بلند، تعداد آثار ثبت‌نام‌شده دو برابر دوره‌های گذشته بوده که این امر دست دبیرخانه را برای اعمال استانداردهای کیفی بازر کرده است. دبیر سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و



متن کامل را در
جام جم آنلاین
بخوانید